

## شمار آورد؟

حوزه علمیه خراسان حوزه‌ای ریشه‌دار است که به برکت مجاورت با مضجع نورانی حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام، آثار ارزشمندی را در طول تاریخ به جامعه اسلامی عرضه کرده است. این هم‌جواری مهم‌ترین فرصتی است که خداوند به اساتید و طلاب این حوزه ارزانی داشته است. این حوزه قطعاً مستعد نقش‌آفرینی‌های گسترده در گام نخست از دو گام یادشده در نظام‌سازی اقتصادی است. حوزه مشهد با توجه به حضور اساتید خوش‌فکر که بعضاً از استوانه‌های فقهات هستند، قابلیت زیادی در تنقیح مبانی نظری و نیز تبیین مبانی حقوقی نظام اقتصادی اسلامی دارد.

نهاد علمی دیگری که می‌تواند در کنار حوزه علمیه به تکمیل چرخه نظام‌سازی کمک کند، دانشگاه فردوسی مشهد است که با بیش از شش دهه قدمت، امروز به دوران بلوغ و پختگی خود رسیده است. اما در این میان، خلأ یک مرکز علمی حوزوی دانشگاهی برای برقراری پیوند عملی میان این دو نهاد و تولید محصولات مشترک در عرصه نظام‌سازی مشهود بود که خوشبختانه به برکت حضور یک عالم فرهیخته حوزوی دانشگاهی در مصدر امامت‌جمعه مشهد و با همت ایشان و تلاش عزیزانی هم‌چون زنده‌یاد دکتر سیدعلی اکبر رزمی، «پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم اسلامی» در دانشگاه فردوسی مشهد تأسیس شد که گروه‌های پژوهشی مختلفی نظیر مدیریت اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، فقه و حقوق و نیز اقتصاد اسلامی دارد. بدون شک تأسیس این پژوهشکده، مزیت نسبی حوزه علمیه مشهد برای ایفای نقش نظام‌سازی اقتصادی را افزایش داده است.

متأسفانه این نهاد علمی ارزشمند و بالقوه نقش‌آفرین، از توجه و اهتمام کافی مسئولان آموزش عالی و حوزه علمیه برخوردار نشده و توصیه بنده، توجه سریع به این پژوهشکده و رفع نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و جذب فضایی حوزه و دانشگاه به عنوان هیئت علمی آن است. دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی و برخی پژوهشکده‌های زیرمجموعه آن که در حوزه مطالعات اقتصادی فعالیت می‌کنند، فرصت‌های دیگری هستند که در خدمت این حوزه قرار دارد. حوزه علمیه خراسان با توجه به فرصت‌های پیرامونی، از استعداد خوبی برای ورود موفق به بحث نظام‌سازی اقتصادی برخوردار است و امیدوارم این استعداد، هرچه زودتر به فعلیت برسد.

حوزه علمیه باید اهداف، نظام ارزشی و قواعد حقوقی تعاملات اقتصادی را کشف و تبیین کند. تأدیب مردم و حاکمان به آداب اقتصاد اسلامی نیز از وظایف حوزه است.

موضوعات جدید اقتصادی هیچ‌گاه در حوزه‌های درسی فقیهان ما مطرح نبوده و طبیعتاً حوزه‌های علمیه نیز پاسخ بالفعلی برای آن آماده نکرده‌اند. در عین حال این حرف نافی استعداد و توانایی بالقوه حوزه‌های علمیه برای پاسخ‌گویی عالمانه به این سؤالات نیست.

لازم درباره آن‌ها انجام نشده است. بعضی احکام مشهور فقهی اقتصادی توسط عده‌ای مورد تردید قرار گرفته که متأسفانه پاسخ یا راه‌حل روشن و متقنی از سوی حوزه علمیه دریافت نکرده است. پیروزی انقلاب و تأسیس حکومت اسلامی تقاضا از حوزه‌های علمیه را به شدت افزایش داد؛ اما عرضه محصولات فاخر حوزوی متناسب با این نیاز نوپدید، افزایش نیافت.

توجه به اقتصاد اسلامی در حوزه، مستلزم چه تغییرات نگرشی است؟ مهم‌ترین الزام، توجه به مسئولیت خطیری است که با پیروزی انقلاب اسلامی متوجه حوزه‌های علمیه شده است.

آیا زیرساخت‌های آموزشی و تربیتی حوزه، تناسبی با کارکرد نظام‌سازی اقتصادی دارد؟

اگر منظور از نظام‌سازی اقتصادی، صرفاً اجرای گام‌اولی است که توضیح دادیم، یعنی پاسخ‌گویی به سؤالات نظری و حقوقی حاکم بر رفتار اقتصادی فرد و جامعه مسلمان، پاسخ تا حدودی مثبت است؛ اما اگر منظور، اجرای گام دوم باشد، پاسخ قطعاً منفی است. نظام‌سازی اقتصادی به معنای اخیر، لوازم و ابزارهایی را می‌طلبد که حوزه‌های علمیه در حال حاضر، فاقد آن هستند.

الزامات آموزشی و تربیتی حوزه برای پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد اسلامی چیست؟

در جامعه دینی، قواعد حقوقی و هنجارهای رفتاری افراد، لزوماً باید از دین اخذ شود. در چنین جامعه‌ای متولی کشف و اعلام قوانین اقتصادی برای ساماندهی روابط فعالان اقتصادی، دولت، مردم، منابع طبیعی و غیره یا یکدیگر کیست؟ آیا عالمان دین در کشف این قوانین وظیفه‌ای بر عهده ندارند؟

بعضی احکام مشهور فقهی اقتصادی توسط عده‌ای مورد تردید قرار گرفته که متأسفانه پاسخ یا راه‌حل روشن و متقنی از سوی حوزه علمیه دریافت نکرده است. پیروزی انقلاب و تأسیس حکومت اسلامی تقاضا از حوزه‌های علمیه را به شدت افزایش داد؛ اما عرضه محصولات فاخر حوزوی متناسب با این نیاز نوپدید، افزایش نیافت.

اقتصادی را کشف و بازبان‌روز تبیین کند. همچنین تأدیب مردم و حاکمان به آداب اقتصاد اسلامی و تغییر نگاه و رفتار آنان در جهت جهان‌بینی اسلامی را می‌توان از وظایف حوزه‌های علمیه برشمرد. اما گام دوم عبارت است از مهندسی یا طراحی نهادها و مؤسسات اقتصادی جامعه، متناسب با اهداف، ارزش‌ها و قواعد حقوقی تبیین‌شده در گام نخست. پیش‌نیاز اجرای صحیح این گام، اطلاع از دستاوردهای بشری در عرصه مهندسی نهادهاست و در این گام، شکل ظاهری نظام اقتصادی متناسب با اقتضات زمان می‌شود؛ چرا که هر چند خمیرمایه و اساس نظام اقتصادی اسلام، هیچگاه دست‌خوش تغییر نخواهد شد، اما شکل و شمایل ظاهری آن لزوماً در همه زمان‌های یکسان نیست. به نظر می‌رسد دانشگاه در اجرای این گام، آمادگی بیشتری داشته باشد و در تقسیم کاری که انجام خواهد شد، این وظیفه را باید از دانشگاه اسلامی انتظار داشت؛ گرچه حوزه علمیه نیز می‌تواند با تمهید مقدمات و ابزارهای لازم، در اجرای این گام نیز سهیم شود. آشنایی با علم اقتصاد (Economics) و اطلاع از تئوری‌های اقتصادی، روش‌های اقتصادسنجی و... از جمله ابزارهای اجرای موفق گام دوم است که در حال حاضر عمدتاً در اختیار دانشگاه‌هاست و در حوزه‌ها کمتر مورد توجه و اقبال واقع شده است.

حوزه علمیه در حال حاضر چقدر پاسخ‌گوی نیازهای جامعه و نظام اسلامی در عرصه اقتصادی است؟

واقعیت این است که اقتصاد نسبتاً اسلامی کنونی نیز مدیون حوزه‌های علمیه است؛ چرا که حوزه‌های علمیه از گذشته، دستاوردهای زیادی، هم در تعیین اهداف و نظام ارزشی و هم در قواعد حقوقی ناظر بر تعاملات و رفتار اقتصادی مردم داشته‌اند و آن‌ها را در قالب رساله‌های کلامی و فقهی به جامعه عرضه کرده‌اند. نکته بسیار قابل توجه این است که قریب به اتفاق این دستاوردها متعلق به فعالیت طولانی حوزه‌های علمیه تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است و باید سوگندانه اعتراف کرد که با وجود افزایش شدید نیاز جامعه پس از انقلاب به محصولات فکری و فقهی حوزه، این فعالیت‌ها از سطح و عمق کافی و مورد انتظار برخوردار نبوده است.

امروز در عرصه نظام‌سازی و مهندسی نهادها و مؤسسات، نوآوری‌های گسترده‌ای در جهان پدید آمده که هنوز بسیاری از آن‌ها توسط فقیهان و اواسط حوزوی ما به بوته نقد فقهی کشیده نشده و موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی